

همیشه یک سیاستمدار

چرا طوفان الاقصی بی سابقه بود؟

در عملیات ارتش صهیونیستی ۳ اصل مهم موسس این رژیم، نقض و باعث شکست اسرائیل شد

مزارش
علی ترابی
روزنامه‌نگار

اجرای آتش‌یس میان گروه‌های مقاومت فلسطینی و رژیم صهیونیستی نشان داد این رژیم عملا در میدان جنگ شکست خورده است و روبه معمول خود یعنی نسل کشی را با کشتار غیر نظامیان ادامه می‌دهد. اگر چه نتانیاهو به کابینه‌اش گفته که انتظار دارد جنگ از سر گرفته شود، اما آمریکا هم به‌صراحت اعلام کرده که از حمله زمینی به جنوب غزه پشتیبانی نخواهد کرد. از زمان آغاز عملیات طوفان الاقصی رژیم صهیونیستیستی دستاورد خاصی در قبال حماس نداشته و بعید به‌نظر می‌رسد که ادامه چنایات در غزه نیز به اهداف تعیین شده این رژیم در آینده کمکی کند. اتفاقات غزه را به روایت مسعود اسداللهی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل غرب آسیا بخوانید تا درباره چگونگی تشکیل محور مقاومت، تغییرات آن تا به امروز و زوایای نبرد طوفان الاقصی، بیشتر بدانید:

وضعیت گروه‌های مقاومت فلسطینی قبل از انقلاب اسلامی چگونه بود؟

پیش از انقلاب اسلامی جنگ‌های کلاسیک بین ارتش‌های کلاسیک عرب و ارتش اسرائیل وجود داشت. در آن زمان چیزی به نام «جنبش‌های مقاومت» وجود نداشت و گروه‌های فلسطینی معروف به «چریک‌های فدایی فلسطین» یا «فداییان فلسطین» بودند که عمدتاً چپگرا، کمونیست یا سوسیالیست بودند. عده‌ای از آنها نیز مارکسیست‌لنینیست بودند. برخی دیگر از آنان طرفدار آرمان‌های شوروی و چین بودند. تنها گروه فلسطینی که چپگرا نبود، گروه «فتح» بود که دارای تفکراتی لائیک به رهبری یاسر عرفات بود. گروه‌های چپگرای فلسطینی با وجود فعالیت زیاد معمولاً به‌دلیل گرایش چپگرایانه، پایگاه مردمی درمیان مردم فلسطین نداشتند و بعدها نیز به همین دلیل کمرنگ شدند، اما بقایای آنها هنوز وجود دارد و تفکرات چپگرای آنان نیز از بین نرفته است. در ادامه این گروه‌ک‌ها استفاده و به گروه‌های تروریستی تبدیل و ابزار دست دولت‌هایی شدند که از آنها حمایت می‌کردند؛ برای مثال، صدام گروهی را حمایت می‌کرد به نام «یونزار» که برای فلسطین مشکل‌ساز شده بود و باانجام اعمال تروریستی خشن به ضرر فلسطینی‌ها تمام می‌شد. لیبی، سوریه و کشور‌های مختلف نیز هر کدام برای خود گروهی در صحنه فلسطین درست کرده بودند و همین موضوع سبب شد هیچ‌یک از گروه‌ک‌ها به جایی نرسیدند و بعداً حتی مجبور شدند هواپیما‌ریایی کنند یا در جریان المپیک مونبخ چند ورزشکار یهودی را گروگان بگیرند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی جنبش‌های فلسطینی کم‌کم تغییر کردند و به چیزی رسیدند که اکنون در نبرد غزه شاهد فعالیت و هنرنمایی‌های آنان هستیم.

پیروزی انقلاب اسلامی چه تأثیری بر تکامل گروه‌های مقاومت داشت؟

امام‌خمینی(ره)، بنیانگذار انقلاب در مبارزه علیه استبداد داخلی در زمان رژیم شاهنشاهی، اصولاً اعتقادی به مشی مبارزه مسلحانه نداشتند و از گروه‌های مسلح، حتی اسلامگرای شیعه نیز حمایت نمی‌کردند؛ برای مثال وقتی می‌خواستند حسنعلی منصور را در سال ۱۳۴۳ به‌دلیل صدور دستور قانون کاپیتولاسیون ترور کنند، امام(ره) فتوایی ندادند و هیأت‌های مؤتلفه اسلامی از آیت‌الله‌العظمی میلانی در این‌باره فتوا گرفتند. راهبرد امام(ره) در مبارزه با رژیم شاه، بر آگاهی‌بخشی به مردم استوار بود. ایشان تأکید داشتند که مردم باید آگاه شوند و با بصیرت‌افزایی، رژیم شاهنشاهی سقوط خواهد کرد و این راهبرد نیز در سال ۱۳۵۷ جواب داد. تنها درگیری مسلحانه‌ای که در آن روز‌ها در ایران صورت گرفت، در روز ۲۱ بهمن و تاظهر ۲۲ بهمن بود که آن را نیز «گارد جاویدان» آغاز کرد. امام‌خمینی(ره) معتقد بودند در مواجهه با استبداد داخلی باید توده‌های مردم را آگاه کرد تا به صحنه بیایند، اما در رابطه با تجاوز خارجی صدام، امام(ره) می‌فرمودند جنگ در رأس امور است. در همان جنگ تحمیلی نیز بدنه نیروهای ما مردم بودند؛ بدون اینکه الزامی برای آنها وجود داشته باشد. گروه‌های مقاومت اسلامگرا بعد از انقلاب اسلامی شکل گرفتند و تا قبل از انقلاب اسلامی گروه اسلامگرای فلسطینی وجود نداشت. نخستین گروه مقاومت فلسطینی که تشکیل شد، ازسوی شهید فتحی ششاقی بود که گروهی به نام جهاد اسلامی را تشکیل داد. این گروه قبل از حماس فعالیت خود را آغاز کرد و ۷سال بعد از آن گروه حماس تشکیل شد؛ بنابراین ۲ گروه مقاومت اسلامی در فلسطین تشکیل شد؛ یکی جهاداسلامی و دیگری حماس و بعد جدیدی از مبارزه در داخل فلسطین آغاز شد. اما پس از شکست‌های پی‌درپی ارتش‌های عربی، مردم فلسطین از ارتش‌های مردمی خود ناامید شدند و اتفاقاً این موضوع با پیروزی انقلاب اسلامی ایران همزمان شد و فلسطینی‌ها مشاهده کردند که مردم ایران به خیابان آمده و بدون اینکه یک گلوله شلیک کنند، شاهی را که مهم‌ترین ژاندارم منطقه بود، از صحنه بیرون کردند. این انقلاب برای آنها تبدیل به منبع الهامی شد که «می‌توان و باید با هر چه که در دسترس است، مبارزه کرد و مصلحت ارتش‌ها نماند؛ چراکه ارتش‌ها به کمک ما نخواهند آمد.» و از آنجا به بعد تحولی جدی در مبارزه با رژیم صهیونیستی آغاز شد.



اصول بن‌گورین چگونه در طوفان الاقصی نقض شد؟

عملیات طوفان الاقصی در تاریخ مبارزات اعراب و رژیم صهیونیستی بی‌سابقه است؛ چون این عملیات یک خصوصیتی دارد که دیگر عملیات‌ها نداشتند. در طول تاریخ ۷۵ساله مبارزه، تا قبل از این عملیات هیچ نیروی عربی چه ارتش‌های کلاسیک و چه گروه‌های مقاومت موفق نشده بودند به سرزمین‌های اشغالی وارد شوند. جنگ‌های زیادی توسط ارتش‌های کلاسیک و گروه‌های مقاومت اتفاق افتاده بود، ولی همه این جنگ‌هاخارج از صحنه فلسطین اشغالی بود؛ چون بن‌گورین، یعنی رژیم صهیونیستی راهبردی ارائه داده بود که شامل ۳ اصل بود. بن‌گورین ادعی استراتژیست بود و تفکرات عمیقی هم داشت. او در سال۱۹۴۸ گفته بود که ارتش اسرائیل در هیچ جنگی نباید وارد شود؛ مگر با رعایت این ۳ اصل؛ اول، دشمن را ۱۰۰درصد غافلگیر کند؛ یعنی وقتی عملیات انجام دهد که دشمنانش اصلاً احتمال عملیات را ندهند و در غافلگیری محض باشند دوم، باید اهداف هر عملیاتی برای ارتش اسرائیل به‌نحوی طراحی شود که در کوتاه‌مدت، در یک جنگ سریع و کوتاه به آن اهداف برسد؛ چون ارتش اسرائیل توان یک جنگ فرسایشی و طولانی را ندارد. سوم که آن هم خیلی مهم است، بن‌گورین گفت ما نباید اجازه دهیم که دشمن مان جنگ را به داخل خاک ما منتقل کند. ما باید جنگ را به داخل خاک آنها منتقل کنیم؛ این ۳ اصل راهبردی بن‌گورین است. این ۳ اصل را تا وقتی ارتش اسرائیل می‌توانست انجام دهد، پیروزی‌های بزرگی به‌دست آورد ولی از زمانی که با جنبش‌های مقاومت روبه‌رو شد، دیگر نتوانست این کار را انجام دهد؛ برای همین هم در دوران جنگ‌های کلاسیک، حتی کی هوایپمای جنگنده کشورهای عربی موفق نشد خودش را به آسمان اسرائیل برساند؛ چه برسد به اینکه یک شهرک یا یک هدف نظامی یا فرودگاه نظامی را منهدم کند؛ اصلاً تمام هواپیماهای عربی، چه مصری، چه سوری، چه اردنی، همه در فضای خودشان سرتنگون می‌شدند. اما وقتی که جنگ چریکی در قالب گروه‌های مقاومت شروع شد، رژیم صهیونیستی دیگر نمی‌توانست این ۳ اصل را رعایت کند؛ چون ماهیت جنگ چریکی و ماهیت جنگ مقاومت از نظر نظامی جنگ نامتعارف است.



تقویم تاریخ

جنگ‌های شکست خورده

در طول تاریخ معاصر هرگاه در جنگ نامتقارن یک قدرت بزرگ با یک قدرت کوچک درگیر شده، کشتار و ویرانگری زیادی انجام داده، اما در نهایت گروه کوچک برنده شده‌است.



جنگ ویتنام:

آمریکا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به ویتنام حمله کرد و در ۱۵سال هر جانیی‌را مرتکب شد.مانند کارهایی که اکنون اسرائیل انجام می‌دهد. بمب تا پالم می‌دند، بمب آتش‌زای بسیار وحشتناکی بود و ممنوع است، به‌طور وسیع علیه مردم ویتنام استفاده شد. در این جنگ آمریکا یی‌ها نیمی‌از ویتنام‌را اشغال کرد، ویتنام به ۲ بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد.البته ویتنام شمالی‌ها با جنگ چریکی آمدند و در یک جنگ طولانی مدت، نهایتاً ویتنام پیروز شد. در همین جنگ نابرابر هیچ‌گاه نشد که ویتنامی‌ها قدر تمندتر از آمریکایی‌ها باشند ولی جنگ در نهایت با پیروزی ویتنامی‌ها تمام شد.



جنگ شوروی در افغانستان:

آن زمان ۱۲هز قدرت در دنیا بود که شوروی یکی از آنها بود. یک ارتش بسیار قوی و با تجهیزات پیشرفته، با اینکه تعداد زیادی از مردم

افغانستان شهید شدند، اما در نهایت شوروی شکست خورد.



حمله اسرائیل به لبنان:

اسرائیل سال ۱۳۶۱به لبنان حمله کرد، نیمی از خاک لبنان را گرفت، کشتار و ویرانی بسیار کرد ولی نهایتاً خودش در سال ۲۰۰۰شکست خورد و از لبنان رفت، با همان سلاح‌های ساده آن زمان حزب الله. پیشرفته ترين موشکی که حزب‌الله تا سال ۱۳۰۰داشت، موشک کاتیوشا بود و سایر سلاح‌هايش هم آربی‌جی و مسلسل بود.



حمله تاتویه افغانستان:

بعد از حادثه ۱۱سپتامبر، ناتو حمله و افغانستان را اشغال کرد. کل ناتو با تمام قدرتش، حکومت اول طالبان را سرنگون کرد و ۲۰سال در افغانستان بود. همه فکر می‌کردند طالبان از بین رفته ولی در نهایت آمریکایی‌ها با فضاحت از افغانستان رفتند.

دریچه

رژیم صهیونیستی غیرنظامی ندارد

در رژیم صهیونیستی هر نظامی و غیرنظامی اگر خدمتش هم تمام شده باشد، در ماه به اندازه آرزو باید از کار و شغلش جدا شود و به محل خدمت نظامی خود برود تا همان فعالیت دوره خدمت نظامی‌اش را انجام دهد و این کار همیشگی است. در حال حاضر نیز این رژیم تمامی نیروهای خود را احضار کرده‌است. این اتفاق در تاریخ رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه رخ نداده بود. این موضوع تأثیر مستقیمی بر اقتصاد رژیم صهیونیستی گذاشته است، چرا که تمام نیروی کار ایسن رژیم برای خدمت به ارتش آمده‌اند؛ بنابراین بسیاری از صنایع رژیم اشغالگر با حداقل نیروی کار، اداره می‌شوند. بانک مرکزی اسرائیل نیز چند روز قبل اعلام کرد تا الان ۵۷میلیارد شکل (واحد پول اسرائیل) به اقتصاد این رژیم ضرر وارد شده است. این مبلغ چیزی حدود ۱۹-۱۸ میلیارد دلار است و این یعنی رژیم صهیونیستی نمی‌تواند برای طولانی‌مدت بجنگد. همچنین در حال حاضر رژیم صهیونیستی با مشکل نیروی انسانی دست و پنجه نرم می‌کند و به همین دلیل تمام نیروهای ذخیره شان را احضار کرده‌اند.

احتیاط هم در اسرائیل با سایر دولت‌ها و کشور‌ها فرق می‌کند. در حقیقت در این رژیم شریاطی حاکم است که در هیچ جای دنیا نیست. پس اگر فکر کنیم در فلسطین اشغالی، صف افراد نظامی از غیر نظامی جدست، دقیقاً به‌دلیل این است که با ماهیت اسرائیل آشنایی کامل نداریم. کسانی که اینطور نگاه می‌کنند، فکر می‌کنند در ماجرای فلسطین، یک کشور به کشور دیگر حمله کرده و آنجا را اشغال کرده است، اما فلسطین را نه یک کشور دیگر، بلکه مهاجرینی از سراسر دنیا با کمک عوامل خارجی اشغال و آنجا را کشوری جدید اعلام کردند؛ بدون تمایل و خواست مردم بومی آنجا و با جبر و زور. هیچ‌کس منکر این بخش از ماجرا نیست، فقط برایش توجیه می‌ترانند و این مهاجرت هنوز هم ادامه دارد. در حال حاضر نیز حدود نیمی از ساکنان فعلی سرزمین‌های اشغالی، همان مهاجرین ۴۰، ۳۰سال اخیر هستند، مگر می‌شود که آنها اطلاعی از ماجرا نداشته باشند؟ اینها دقیقاً می‌دانند که به کجا می‌آیند و چه وضعیتی در انتظار آنهاست. بخش دیگری هم که از قبل تر بوده‌اند، اصلاً خودشان وجود آورنده این وضعیت هستند و لاقلاً ۳بار با اعراب جنگیده‌اند. اینجا بی‌خبری نیست، بلکه خودشان می‌دانند که با مهاجرت منطقی و مشروع باشد، از این به بعد هر قومی می‌تواند روی همین مسیر عمل کند و بعد از گذشتن چند نسل، مشککش باصاحبان آن سرزمین رفع شود.

دولت «اسپارت»

در نبود فرق بین نظامی‌ها و غیرنظامی‌ها در رژیم صهیونیستی شکی نیست، اما پیش از شروع نبرد طوفان الاقصی و در شرایطی که رژیم صهیونیستی درگیر اعتراضات داخلی بود، چند ده‌هزار نظامی این رژیم اعلام کردند که در اعتراض به اصلاحات قضایی، خدمت را ترک خواهند کرد، حتی پرسنل نیروی هوایی رژیم صهیونیستی در گریه اعتراض اعلام کردند خدمت خود را در یگان‌های نیروهای ذخیره متوقف خواهند کرد. این مسئله در بحبوحه تنش‌های نگرانی‌هایی را در مورد آمادگی ارتش در چندین جبهه ایجاد کرد که امروز در نبرد زمینی صهیونیست‌ها در غزه به خوبی شاهد کمبودها و ضعف مهم ارتش رژیم صهیونیستی بوده‌ایم. همانطور که پیش‌تر به آن اشاره شد،



خدمت در ارتش رژیم صهیونیستی برای اکثر مردان اجباری است. پس از اتمام خدمت ۳ ساله، بسیاری از آنها تا ۴۰سالگی با بالاتر به خدمت به عنوان نیروی ذخیره ادامه می‌دهند. نیروهای ذخیره مجموعه مهمی از نظامیان را تشکیل می‌دهند که نقش مهمی در تقویت ارتش ایفا می‌کنند. معترضان می‌گویند نمی‌خواهند در مکانی که به سمت دیکتاتوری پیش می‌رود، خدمت کنند. از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی روز جهانی قدس ۱۴۰۰ فرمودند: «صهیونیست‌ها فلسطین غصب‌شده را از روز اول به یک پایگاه تروریسم تبدیل کرده‌اند. اسرائیل نه یک کشور که یک یادگار تروریستی علیه ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان است.» بن‌گورین، نخستین نخست‌وزیر و رئیس دولت اسرائیل پس از اعلام تشکیل کشور جعلی یهودی، سال‌ها برای ایجاد یک الگوی اجتماعی نظامی منطق بر عقاید صهیونیسم نظامی مطالعه کرد. او در نهایت الگوی دولت «اسپارت» در یونان باستان را مناسب یافت. اسپارت، دولتی یادگانی در یونان باستان بود که همه شهروندانش نظامی بودند و در کلونی‌های نظامی زندگی می‌کردند؛ حتی کودکان هم از سنین کم از والدین‌شان جدا می‌شدند تا در کلونی‌های نظامی تربیت شوند.